

احساس محرومیت نسبی در اقوام ایرانی و شیوه‌های محرومیت‌زدایی؛

تحقیقی در اندیشه شاعران معاصر قشقایی

دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۱۴

پذیرش: ۱۳۹۷/۰۷/۳۰

محسن رجایی پناه*

باقر ساروخانی**

علیرضا کلدی***

چکیده

این تحقیق چگونگی بازتاب محرومیت نسبی در آثار شعرای معاصر قشقایی را بررسی می‌کند. در اینجا، از نظریه رابرت گر تنها به‌عنوان راهنما و شاهد استفاده شده است. با تحلیل محتوای اشعار شاعران مورد مطالعه، مشخص می‌گردد که نه تنها محرومیت در قوم قشقایی وجود دارد بلکه شاعران قشقایی هم، در اشعار خود به این موضوع پرداخته‌اند. همچنین مشخص می‌شود که برداشت و شیوه سازش یا برخورد شاعران با مسئله محرومیت یکسان نیست؛ از جمله اعتراض و مبارزه انقلابی با منبع محرومیت، یا پذیرش و کنار آمدن با پدیده محرومیت به‌عنوان امر طبیعی و یا توسل به قدرت‌های فراطبیعی و امداد الهی. پس از کشف و دسته‌بندی مقوله‌ها، راه‌هایی نیز برای کاهش محرومیت پیشنهاد خواهد شد.

واژگان کلیدی

ادبیات، تحلیل محتوا، شاعران معاصر، قوم قشقایی، محرومیت نسبی

* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی تهران

mrpcho@yahoo.co.uk

** استاد گروه جامعه‌شناسی واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی تهران (نویسنده مسئول)

b.saroukhani@yahoo.com

arkaldi@yahoo.com

*** استاد گروه جامعه‌شناسی واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی تهران

جوامع امروزی فارغ از هر ساختار سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و گستره جغرافیایی، هریک با انواع چالش‌ها مواجه است. از مسائل زیست‌محیطی گرفته تا کنترل تسلیحات، روابط متناسب خارجی، چالش‌های حزبی و جناحی، تجارت جهانی، بهداشت و مقوله‌هایی چون ازدیاد جمعیت و کمبود مسکن و ارائه خدمات همگانی. یکی از مسائل پیش روی جوامع امروز و حتی جوامع سنتی، احساس محرومیت نسبی است.

بر اساس مطالعات انجام‌شده، احساس محرومیت نسبی به‌عنوان یک مسئله مهم و اثرگذار در قومیت‌های مختلف از جمله اقوام ایرانی مشاهده شده است. چنانکه «گر» هم تأکید کرده است که «میزانی از نارضایتی در میان تمامی اعضای جوامع وجود دارد» (گر، ۱۳۸۸، ص ۱۱۴).

بررسی دیگر دیدگاه‌ها نیز، حاکی از پیامدهای محرومیت نسبی است که طی فرآیندی زمان‌بر ممکن است منجر به انقلاب شود ... (اشرافی، ۱۳۹۶ به نقل از پناهی، ۱۳۸۹).

لذا با عنایت به موارد ذکرشده و امکان بروز خشونت ناشی از محرومیت‌ها، احساس محرومیت، از آن جهت مهم تلقی می‌شود که ممکن است در مقاطعی از تاریخ یک کشور، به دلیل بی‌توجهی به تأثیر و پیامدهای آن، به انسجام اجتماعی و ملی آسیب وارد کند؛ زیرا بخشی از جامعه یا اقشاری از مردم احساس می‌کنند که به دلایل سیاسی یا نابرابری‌های طبقاتی، دست‌کم در وجوهی از ابعاد زندگی خود محروم مانده‌اند و در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و فرهنگی سهم چندانی ندارند. گاه انباشته شدن این عقده‌های روانی جمعی و احساس محرومیت تا آنجا پیش می‌رود که منجر به شورش می‌گردد (نظیر آنچه در سال ۱۳۹۷ در شهرهایی چون آبادان و خرمشهر در اعتراض به کیفیت آب آشامیدنی، از عناصر حیاتی، صورت گرفت).

حال اگر همه افراد جامعه بنا به میزان درک و شدت محرومیت، قادر به فهم محرومیت هستند، قاعدتاً مانند همه طیف‌های فکری جامعه، از ادیبان و شاعران نیز که

از درک و احساس قوی‌تر برخوردارند، انتظار می‌رود این‌گونه احساس محرومیت فراگیر را در آثار خود منعکس سازند. از همین منظر است که در طول تاریخ شاعرانی سر برآورده و زبان به اعتراض گشوده‌اند؛ چنانکه در غرب امروز، چهره‌ای رادیکال چون «هیتکوت ویلیامز»^۱ شاعر انقلابی به تجارت اسلحه، مصرف‌گرایی و نشریات زرد می‌تازد و از منتقدان دونالد ترامپ^۲ و بوریس جانسون^۳ است.

همچنین در ایران شاعرانی چون سید اشرف‌الدین گیلانی در دوران مشروطیت، یا عبید زاکانی در قرن ششم و یا در عصر حاضر، فردی چون عالی‌پیام معروف به هالو، ناگهان سری از توی سرها برمی‌آورد و از زبان طبقات محروم و متوسط جامعه، قفل زبان به اعتراض می‌گشاید:

ساقه‌هایی که سبزتر بودند، سرخ گشته به خاک غلتیدند
باقی ساقه‌ها از این ماتم، برگ‌های سیاه پوشیدند.

در دوران مشروطیت، فقر به‌عنوان یک امر طبیعی و محتوم تلقی نمی‌شده و غنای گروه‌های ویژه به‌عنوان عامل فقر و تیره‌روزی گروه‌های بزرگ‌تر تعبیر می‌شده است. علی‌خان ظهیرالدوله در یکی از اشعارش، سیمایی از اختلاف شدید طبقاتی موجود در جامعه ایران آن زمان را چنین ارائه داده است:^۴

یکی را عور می‌بینی سراپا یکی صد جامه دارد، جمله دیبا
یکی از صورت سرماست در سوز یکی بر تخت زر خفته شب و روز
یکی بی‌خانمان است این چه سلک است یکی را خانه و باغ است و ملک است
(ظهیرالدوله، ۱۳۶۷، ص ۴۷۵)

مأذون، شاعر ترک‌زبان قشقایی، هم که به سه زبان ترکی، فارسی و لری شعر دارد، در بیتی آورده است:

هنوز بلبل گُل عشقیندن ناصبور تنور هنوز سَمندرینگ یثری دیر
هنوز داردا قالب آسلی منصور انا الحَقَّ سؤیله بیر، سرّ نهان وار
(نادری، ۱۳۶۹، ص ۳۱)

ترجمه: هنوز بلبل از عشق گل ناصبور است. هنوز سمندر در آتش تنور است. هنوز سر منصور بر دار است. انالحق گوید و سر نهان دارد.

با چنین مستندات و شواهد انکارناپذیر می‌توان چنین برداشت کرد که روشنفکران و همین‌طور شاعران یک قدم جلوتر از مردم عادی، محرومیت‌ها و نابرابری‌ها را با گوشت و پوست لمس کرده و تلاش کرده‌اند آن را در آثار خود منعکس کنند.

هدف تحقیق این است که با غور و تفحص در آثار شاعران قشقایی و تحلیل مفاهیم مرتبط، بتوان به این پرسش‌های اساسی زیر پاسخ داد:

یک. شاعران چگونه در قالب واژگان، مفاهیم و مضامین ادبی، محرومیت نسبی را به‌عنوان یک مسئله مهم اجتماعی، در آثار خویش ارائه داده‌اند؟

دو. از نگاه شاعران موردنظر، چگونه می‌توان از اقوام محرومیت‌کشیده محرومیت‌زدایی کرد یا دامنه آن را کاهش داد؟

اهمیت و ضرورت تحقیق

تاکنون درباره محرومیت احتمالی در قوم قشقایی با جمعیتی حدود سه میلیون نفر (مردانی، ۱۳۸۶، ص ۲۵) و با پیشینه مستند بیش از ۸۰۰ سال،^۵ مطالعه‌ای علمی صورت نگرفته و یا نویسنده در منابع مختلف با آن مواجه نشده است. با پی بردن به درازنای تاریخ یک قوم و کنکاش در فرهنگ شفاهی آنان می‌توان به ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اعتقادی و اقتصادی، همچنین به نقاط قوت و کاستی‌های آنان در طول حیاتشان پی برد؛ از آنجاکه این مهم درباره قوم قشقایی مغفول مانده و در شرایط فعلی و حساس کشور که مسئله قومیت‌ها به‌ویژه نظر به تحولات خاورمیانه، به‌عنوان یک نگرانی خاموش در خفا وجود دارد، کشف این مجهولات و تحلیل جامعه‌شناختی زوایای مختلف زندگی اقوام، اهمیت دوچندان یافته است.

در این پژوهش، با درک زمینه‌های ایجادکننده احساس محرومیت نسبی تلاش شده است تا نشان داده شود که زمامداران سیاسی می‌توانند با لحاظ کردن حقوق اقوام، از تنش‌های احتمالی و آسیب‌زننده به وحدت ملی تا حد زیاد بکاهند.

تا قبل از انقلاب اسلامی، آثار منتشرشده درباره این قوم، بسیار اندک بود. مطالب و تحقیقاتی هم که توسط مردم‌شناسان در دو سده اخیر صورت گرفته، بیشتر حالت قوم‌نگاری، سنت شفاهی و گزارش‌نویسی داشته که هیچ‌یک وارد حوزه تحلیلی جامعه‌شناسی نشده‌اند؛ برای نمونه، استاد خانم لوئیس بک^۱، جامعه‌شناس و مردم‌شناس آمریکایی، به مدت دو سال همراه طایفه‌ای از قوم قشقایی به نام «قرمزی» فاصله بیلاق و قشلاق آنان را طی کرده و تجربیات میدانی خود را به‌عنوان بخشی از رساله فوق‌دکتر در سال ۱۳۶۴/۱۹۸۶ منتشر کرده است. باین‌حال، در کتاب خود با نام «قشقایی‌های ایران»^۲ به چرا و چگونگی‌های جامعه‌شناسی مردم قشقایی ورود پیدا نکرده است (Beck, 1986).

مینورسکی به همراه سایر مورخان چون برتولد اشپولر^۳، فارق سومر^۴ و کلود کاهن^۵ در کتاب «تاریخ ترکان در ایران» که بسیار پرمحتواست، فقط به ابعاد تاریخی و جنگ‌وگریزهای اقوام ترک‌زبان از ظهور ترکان سلجوقی تا برافتادن ترکمانان پرداخته‌اند که خودکامگی افرادی چون تیمور لنگ، سلطان محمود غزنوی، سیف‌الدین رستم اتابک و امرای آغ‌قویونلوها، خود به وجودآورنده طبقات اجتماعی برخوردار یا محروم بوده‌اند؛ ازجمله خراج‌دهندگان همیشه زیردست که اجازه ارتقا و تحرک طبقاتی نداشته‌اند (اشپولر و دیگران، ۱۳۹۲).

پس از انقلاب اسلامی، توسط دانش‌آموختگان نوپای قشقایی، بیش از ۳۰۰ جلد کتاب و ده‌ها مقاله و پایان‌نامه با موضوعات مختلف فرهنگی، تاریخی، زبان و ادبیات، هنرهای تجسمی و فیلم‌نامه نوشته شده، اما هیچ‌یک به‌طور مشخص، به موضوع محرومیت نسبی نپرداخته‌اند؛ بنابراین، خلأ تحقیقاتی در این مورد ویژه به‌وضوح مشاهده می‌شود. به همین دلیل، نه‌تنها این موضوع احتمالاً در نوع خود نخستین خواهد بود بلکه

می‌تواند برای محققان بعدی، پیش‌زمینه‌ای برای پرداختن به مسائل قومیتی و هویتی با رویکرد بین‌رشته‌ای به شمار رود.

مروری بر ادبیات پژوهش

با توجه به کیفی بودن تحقیق، از چارچوب نظری، صرفاً به‌عنوان شاهد و راهنمای پژوهش استفاده شده است. در این باره به نظر می‌رسد دیدگاه‌های تد رابرت گر و هنری تاجفل^{۱۱} بیش از دیگران مورد توجه محققان حوزه جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی قرار گرفته است. چکیده دیدگاه‌ها گویای آن است که طبقات محروم جامعه اعم از قومیت‌ها و اقلیت‌ها هرگاه در برابر نشانه‌هایی از نابرابری و تبعیض‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی قرار گیرند، احساس محرومیت نسبی در سیمای زندگی آنان دیده می‌شود که نارضایتی‌هایی را به دنبال خواهد داشت. این نارضایتی‌ها، در صورتی که توسط طبقه مسلط یا هیئت حاکم مرتفع نشود، ممکن است منجر به بسیج عمومی، اعتراض و شورش یا دگرگونی عمیق از سنخ انقلاب گردد.

هدف تاجفل نیز جایگزینی نظریه هویت اجتماعی به‌جای دیگر نظریه‌های روان‌شناسی اجتماعی روابط بین‌گروهی نبوده است.... در واقع، تصور او بر این بوده که تنها یک نحوه ترکیب نظریه هویت اجتماعی با نظریه محرومیت نسبی می‌تواند تبیین روان‌شناختی اجتماعی برای مشارکت اعضای گروه اقلیت در اعتراضات جمعی به‌منظور بهبود منزلت گروه و موقعیت پایین اجتماعی فراهم کند (ربانی و دیگران، ۱۳۹۰ به نقل از کرانت، ۲۰۰۸، ص ۶۸۸).

همان‌گونه که پیشتر نیز اشاره شد، به‌طور خاص در زمینه تأثیر اشعار شاعران قشقایی در فرآیند زندگی سیاسی - اجتماعی مردم دوران خود تاکنون تحقیق قابل استناد صورت نگرفته است. با این حال، چند مورد در خصوص فرهنگ و ادبیات قوم قشقایی یا اقوام مشابه به شرح زیر انجام شده است:

یک. کتاب «سیر حکمت و عرفان در ادبیات و آداب و رسوم ایل قشقایی»، تألیف آقای فضل‌الله علی‌نژاد که در اصل به صورت پایان‌نامه کارشناسی ارشد بوده است. مؤلف از روش اسنادی و مصاحبه اکتشافی استفاده کرده و در فصول مختلف آن، اشعاری از شاعران معروف قشقایی را نقد کرده است؛ برای نمونه، شاعر در بیتی برای نشان دادن کم‌توجهی زمامداران به صاحبان اندیشه و هنر می‌گوید:

کیمیگر گره‌گ چکه دردِ سر ابله تاپار بی‌مرارت گنج و زر
(علی‌نژاد، ۱۳۹۰، ص ۱۶۴)

ترجمه: کیمیگر برای دستیابی به سیم و زر، دردسر فراوان متحمل می‌شود، اما این افراد ابله هستند که بی‌رنج و مرارت آن را به چنگ می‌آورند.

دو. کتاب دیگر با نام «دیوان کامل میرزا مآذون قشقایی»، چاپ به همت ابوالفضل جعفری و خادم‌الفقرا، که آثار پراکنده مآذون، بزرگ‌ترین شاعر و صاحب‌نظر ادبی قشقایی را از پنج منبع مختلف و سه نسخه خطی گردآوری کرده‌اند (جعفری و خادم‌الفقرا ۱۳۹۵). در این کتاب سروده‌های مآذون تجزیه و تحلیل و نقد شده است. در خلال ابیات، قطعات، قالب‌ها و مضامین شعری این شاعر، به موارد متعدد از احساس محرومیت نسبی، نابرابری‌ها و وجود طبقات اجتماعی اشاره شده است.

سه. پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی بین‌هویت قومی و هویت ملی ترکمن‌ها در استان گلستان» توسط آقای نورمحمد سخاوتی فر در دانشگاه مازندران و در مقطع کارشناسی و به روش پیمایشی نوشته شده که به مسائل قومیتی ترکمن‌ها پرداخته و رابطه هویت قومی و ملی را با متغیرهای گوناگون به صورت کمی و نموداری سنجیده و به نتایجی دست یافته است که به دو مورد آن اشاره می‌شود (سخاوتی فر، ۱۳۸۰):

- ترکمن‌ها معتقدند سرمایه‌گذاری دولت در مناطق آن‌ها عادلانه نیست و از این جهت

احساس محرومیت نسبی در بین پاسخگویان مشهود است.

- در زمان پهلوی دوم محدودیت مراتع و بسته شدن ایل‌راه‌ها بر یکجانشینی دامن زد و بیشتر ترکمن‌ها را زمین‌گیر کرد که از این جهت هم مردم ترکمن احساس می‌کنند در حق آنان اجحاف و ستم شده است.

چهار. مقاله‌ای نسبتاً مختصر با عنوان «محرومیت نسبی، ویژگی‌های توسعه و تمرکزگرایی»^{۱۲} به قلم هیدر جی اسمیت در دانشگاه کمبریج چاپ شده که در آن از روش کیفی استفاده شده و با تحلیل توصیفی پیرامون موضوعات زیر بحث شده است (Heather & other, 2002):

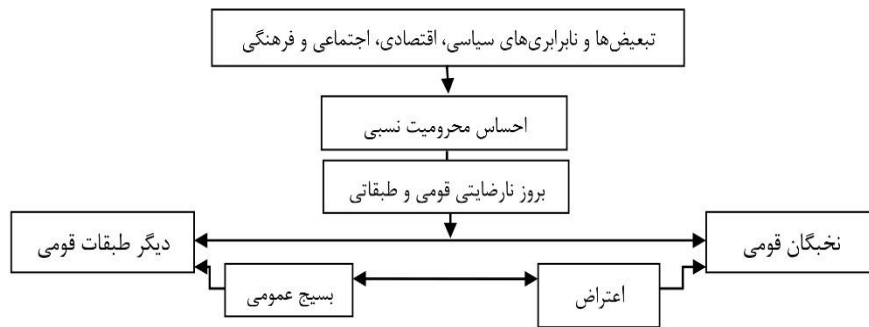
پنجاه سال تحقیقات پیرامون محرومیت نسبی از نگاه جامعه‌شناسی و روان‌شناسی، هویت اجتماعی و احساس محرومیت، محرومیت نسبی و افکار مغشوش، محرومیت نسبی و میزان اختیارات و تمرکز محرومیت نسبی و تفسیرهای پیش‌دورانه جامعه‌شناختی که هر یک از این موضوعات توسط یک یا چند نویسنده به صورت مختصر در این مقاله نوشته شده است.

پنج. محمدعلی قاسمی، عضو هیئت علمی و گروه مطالعات پایه و روش‌شناسی پژوهشکده مطالعات راهبردی، مقاله‌ای را با عنوان «تد رابرت گر و روش نوین مطالعه جنبش‌های قومی» به روش توصیفی در خصوص منازعات قومی انجام داده که بخشی از آن ناشی از احساس محرومیت نسبی است. وی در این مقاله با توجه به نظریه ساختار فرصت، نارضایتی از گذشته و ترس از آینده و امید به کسب امتیازات، مسئله نارضایتی و جنبش‌های قومی را تجزیه و تحلیل کرده است. او با تکیه بر مطالعات تد رابرت گر بر روی ۲۷۰ گروه قومی و اقلیتی، به دنبال علل مختلف بروز نارضایتی و جنبش‌های قومی رفته است (قاسمی، ۱۳۸۶).

شش. «تحلیل جامعه‌شناسانه وقوع انقلاب اسلامی»، مقاله‌ای در دوفصلنامه علمی-پژوهشی «دانش سیاسی» به قلم آقایان امام‌جمعه‌زاده و ابراهیمی که به روش توصیفی-تحلیلی صورت گرفته، با تأکید بر محرومیت اقشار مختلف جامعه از جمله کارگران،

کشاورزان و... دوران قبل از انقلاب اسلامی است. این بررسی با تمسک بر چارچوب نظریه محرومیت نسبی نمایان می‌سازد که جهت‌گیری کلی سیاست‌های رژیم پهلوی از دهه ۱۳۳۰، در آنچه که از آن می‌توان به‌عنوان مشکل «تله بنیان‌گذار» یاد کرد، باعث محرومیت نسبی مردم شده که زمینه را برای نارضایتی و خشم آن‌ها برای وقوع انقلاب فراهم می‌کرد (امام‌جمعه‌زاده و ابراهیمی، ۱۳۹۵، صص ۲۷-۶۰).

به‌طور کلی، چکیده این مباحث چندگانه را می‌توان به شکل زیر و در قالب یک مدل مفهومی رسم کرد.



نمودار شماره ۱. نمودار مفهومی چگونگی پیدایش احساس محرومیت نسبی

رابطه سیاست و ادبیات منظوم

امروزه دست‌کم در ظاهر چنین برداشت می‌شود که بین مقوله‌های ادبی و مسائل جامعه‌شناسی، ارتباط چندان مؤثر دیده نمی‌شود؛ چنان‌که روبر اسکارپیت می‌نویسد:

«از ابتدای قرن شانزدهم، تحولی پدید می‌آید که از قرن هیجدهم شتاب می‌گیرد. از یک سو دانش‌ها تخصصی می‌شوند، کارهای علمی و فنی، رفته‌رفته از ادبیات به معنای واقعی کلمه فاصله می‌گیرند و دایره ادبیات کوچک می‌شود و به‌سوی محدود شدن به یک فعالیت سرگرم‌کننده به پیش می‌رود... در این هنگام است که ادبیات، آگاهی‌یابی از ابعاد اجتماعی خود را آغاز می‌کند و مادام دوستال، کتابی به نام ادبیات از منظر پیوندهایش با نهادهای اجتماعی را

منتشر می‌سازد و در کشور فرانسه مفاهیم ادبیات و جامعه را در یک بررسی منظم، به هم پیوند می‌زند» (اسکارپیت، ۱۳۹۰، صص ۱۵-۱۶).

از سوی دیگر، در حال حاضر بررسی پایان‌نامه‌ها، رساله‌های دکترا و کتاب‌های دانشگاهی که با محوریت پژوهش تدوین شده، حتی در اغلب نظریه‌ها کمتر دیده می‌شود که به تأثیر متقابل ادبیات و علوم اجتماعی اشاره شده باشد؛ درحالی‌که این دو، به‌عنوان دو رشته مهم علوم اجتماعی و انسانی، همواره در پیوند با یکدیگرند؛ چنانکه قوی‌ترین تحقیقات، اگر با ادبیات روان و عبارات سلیس و قابل درک تحریر نشود، بین دانشجویان و محققان دانشگاهی، مقبولیت لازم را نمی‌یابد و چه‌بسا سبب دل‌زدگی آنان شود؛ برای مثال، در تجزیه و تحلیل داده‌ها، استعاره‌ها، تمثیل‌ها، استفاده از جفت واژه‌های متجانس یا متضاد و حتی مصرعی از بیت است که نتیجه تحقیق را به دل می‌نشانند. در همین بیت آموزنده و زیبای شیخ اجل سعدی می‌توان به اهمیت این موضوع پی برد:

پرتو نیکان نگیرد هر که بنیادش بد است تربیت ناهل را چون گردکان بر گنبد است
این شعر نه تنها یک هنر ادبی است بلکه حکمت و اندرزی برای حوزه علوم تربیتی، دستاویزی برای پارادایم انتقادی و همچنین محملی برای ورود به نظریه‌های جامعه‌شناسی پیرامون سرشت انسانی و مسائل اکتسابی زیست‌شناختی و جامعه‌شناختی است. یا این عبارت سعدی که می‌گوید:

گرگ‌زاده عاقبت گرگ شود گرچه با آدمی بزرگ شود
می‌بینیم که تا چه حد با نظریه هابس و ماکیاولی که تأکید می‌کنند: انسان گرگ انسان است^{۱۳}، سنخیت دارد.

همچنین وقتی می‌گوید: ده درویش در گلیمی بخسبند و دو پادشاه در اقلیمی نگنجند، چقدر می‌توان به اعتقاد این شاعر نسبت به تمرکز قدرت پی برد که با نظریه میشل فوکو در تضاد آشکار است که تأکید دارد: «ردپای قدرت را نمی‌توان تنها در یک فرد، یک پادشاه یک حکومت یا یک مستبد جستجو کرد. قدرت در همه سطوح اجتماعی پخش و گسترده است» (فتاحی، ۱۳۸۷، ص ۶۷).

در بسیاری از گزارش‌ها و سخنرانی‌ها، گریزی به دیوان شاعران زده می‌شود تا هم بر لطافت و جذابیت سخن افزوده شود و هم سندی ادبی استوار ارائه گردد. این قبیل

عبارات قصار ادبی چنان اثرگذار است که به باور محققان، می‌توان آن را تأییدی برای روایی تحقیق نیز به شمار آورد. از آنجاکه در این پژوهش ما به دنبال روایی محتوا نیز هستیم، با بهره‌گیری هرچه بیشتر از واژگان مرتبط، می‌توان به این مهم نیز دست یافت؛ زیرا «هر قدر عناصر مقیاس گسترده‌تر و قلمرو مفهوم موردسنجش را بیشتر در بر گیرد، روایی محتوا بیشتر خواهد بود» (طیبی و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۲۱۱).

ادبیات در عین هدف بودن می‌تواند به‌عنوان ابزاری توانمند برای بررسی سیاست، جامعه و فرهنگ کشور مفید باشد و به‌منزله بستر حیات‌بخش، شکوفاگر اندیشه‌ها و حاوی عناصر سازنده شخصیت انسان‌ها به کار آید (اسکارپیت، ۱۳۹۰، ص ۷). همچنین برای پی بردن به اهمیت و جایگاه ادبیات در مقوله‌های سیاسی - اجتماعی، تنها این عبارت سارتر کافی است که می‌گوید: «ادبیات فریادی بر سر قدرت است» (سارتر، ۱۳۹۶).

ادبیات در هر زمان، با هر ایده و اندیشه چه به‌صورت شفاهی و چه در قالب کتاب و مطبوعات، بر اندیشه‌کسانی که در این حوزه فعال هستند، اثرگذار است. شاید پیدایش سبک‌های نویسندگی و تکرار آن توسط نویسندگان بعدی، ناشی از همین اثرپذیری باشد. این ادعا را در نوشته‌ای از روبر اسکار پیت می‌توان به‌خوبی دریافت:

«ادبیات را باید در پیوند جدایی‌ناپذیر با زندگی اجتماعی، بر پایه زیربنای عوامل تاریخی و اجتماعی‌ای که بر نویسنده تأثیر گذاشته‌اند، در نظر گرفت» (اسکارپیت، ۱۳۹۰، ص ۱۷ به نقل از ژدائف، ۱۹۵۶).

از طرف دیگر، در شرایط بسیار آشفته کنونی، به‌ویژه با در نظر گرفتن مسائل قومیتی، طبقاتی، صنفی، مذهبی و رفتارهای سیاسی که افکار عمومی را به سمت خود سوق داده است، می‌توان دریافت که تا چه حد متون ادبی و به‌ویژه سروده‌های حماسی شاعران به‌اصطلاح پیشرو، در تنویر یا تهییج افکار عمومی که زمینه مطالبات عمومی را فراهم می‌آورند، نمود پیدا کرده است. نمونه این شعارها و سروده‌ها را در جریان تحقق انقلاب اسلامی تا به امروز به‌خوبی می‌توان مشاهده کرد؛ برای مثال، از مفهوم و مقصود ابیات نمونه زیر می‌توان دریافت که در بین طبقاتی از اجتماع که احساس محرومیت نسبی دارند، این قبیل سروده‌ها تا چه اندازه می‌تواند سبب غلیان و تهییج افکار عمومی و حتی منجر به جنبش‌های اجتماعی گردد:

پروین اعتصامی شاعر محرومان رنج‌دیده نیز در شعر اشک یتیم می‌گوید:

روزی گذشت پادشهی از گذرگهی فریاد شوق بر سر هر کوی و بام خاست
 پرسید زان میانه یکی کودک یتیم کاین تابناک چیست که بر تاج پادشاست
 آن یک جواب داد چه دانیم ما که چیست پیداست آن‌قدر که متاعی گران‌بهاست
 نزدیک رفت پیرزنی کوژپشت و گفت این اشک دیده من و خون دل شماست
 (شرابی، ۱۳۸۵، ص ۲۶)

علاوه بر این نمونه‌ها، شاعران بسیار دیگر چون رودکی، حافظ، ناصر خسرو قبادیانی، مولانا، اوحدی مراغه‌ای، نظامی، ملک‌الشعراى بهار و ده‌ها شاعر نامدار دیگر ابیات و قطعات فراوان پیرامون موضوع فقر و محرومیت ناشی از اشرافی‌گری یا تبعیض طبقاتی سروده‌اند که تنها به بیتی از ملک‌الشعراى بهار بسنده می‌شود که گویا پس از تصویب و اجرای قانون نظام اجباری (نظام وظیفه عمومی) که تمامی جوانان موظف به انجام خدمت زیر پرچم بوده‌اند، سروده شده است:

طفل کاسب را جبراً به نظامی گیرند لیک اشراف معاف‌اند ز حکم اجبار
 (بهار، ۱۳۶۸)

غزل زیر نیز به صورت گزیده، سروده شاعری خوش قریحه از قوم قشقایی است که چشم‌اندازی از گذشته ایل را چنان ترسیم کرده است که در مقایسه با شرایط امروزی، حسرت و اندوه مردم را از نبود برخی ویژگی‌های از کف رفته به خوبی نشان می‌دهد:

یاد باد آن روزگاران؛ خوش زمانی داشتیم در زمین زیبا بهستی آسمانی داشتیم
 شهرو شب‌دیز و نسمان، گردش‌گردون گرفت! بادپیما، نام ترلان مادانی داشتیم
 در بهاران در میان جنگل انبوه بن هم‌نوا با کبک و تیهو ماکیانی داشتیم
 در حقیقت، مظهر مهمان‌نوازی بود ایل بهر مهمان، روز و شب گسترده خوانی داشتیم
 من چسان بر نسل آینده بگویم سرگذشت کان زمان ما، روزگاری آن‌چنانی داشتیم!
 «خالد» دیوانه گوید ای برادر، خواهرم کاش! اکنون کوچ و ایل آن زمانی داشتیم^{۱۴}
 (ایمانی، ۱۳۷۷، ص ۵۶)

با ذکر این نمونه‌های مختصر، قابل درک است که بین برخی مضامین ادبی، به‌ویژه آثار شعراى انقلابی و برجسته‌سازی و تبیین مسائل اجتماعی تا چه حد قرابت وجود

دارد. به همین دلیل می‌توان گفت: برخی شاعران، زبان رسای آن دسته از طبقات اجتماعی هستند که از محرومیت‌های ناشی از نابرابری اجتماعی رنج می‌برند. لذا گمان می‌رود که با عنایت به عدم تحقیقات مشخص در این زمینه خاص، موضوع پیش رو، از نوآوری خاص و مورد انتظار برخوردار باشد.

روش اجرای تحقیق

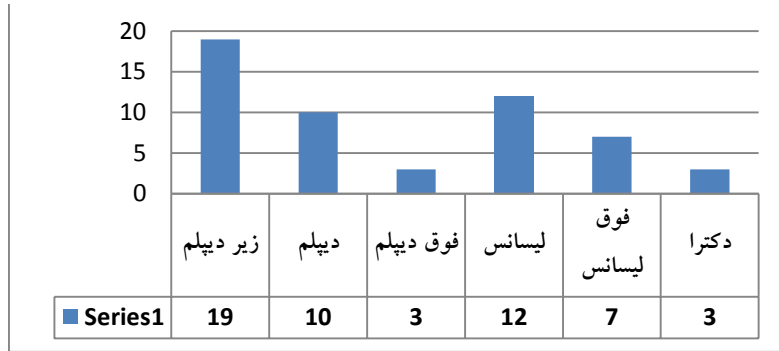
الف. نوع پژوهش

در این تحقیق مشخصاً از روش تحقیق تحلیل محتوا با رویکردی عرفی که مایرینگ^{۱۵} آن را مقوله‌ استقرایی نامیده، استفاده شده است. «تحلیل محتوای کیفی را می‌توان روش تحقیقی برای تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متنی از طریق فرآیندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی و تم‌سازی یا طراحی الگوهای شناخته‌شده دانست» (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰، ص ۲۰).

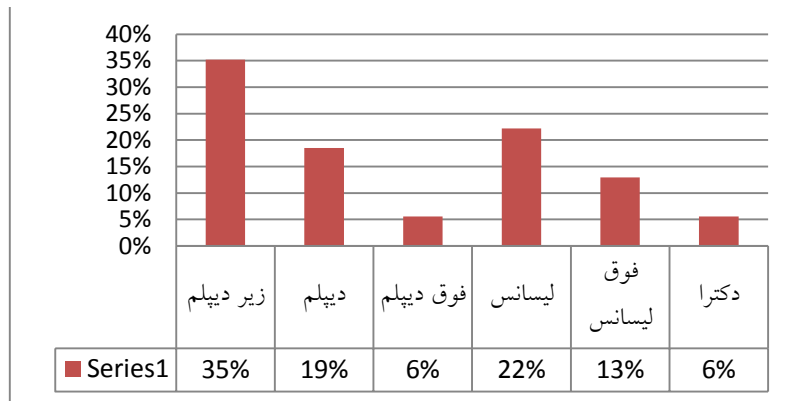
لذا تا سرحد امکان و ظرفیت بهره‌گیری از اهداف پنهان در تحلیل محتوا، برای تجزیه و تحلیل مفاهیم واژگان ابیات، از این شیوه بهره‌گیری شده است. از دیگر روش‌ها به‌عنوان کمک به تبیین منظور شاعران، در برخی موارد برای نمونه، برای نشان دادن درصد فراوانی استفاده شده است. ضمناً واحد تحلیل نیز «بیت» است که از یک یا دو مصرع آن برای رساندن مفهوم به‌صورت هدفمند استفاده شده است.

ب. جمعیت پژوهش

کلیه شاعران قشقایی دارای آثار چاپ‌شده یا صاحب نسخه خطی که در طول قرن اخیر می‌زیسته‌اند و در بین اغلب مردم قشقایی به‌عنوان شاعر شناخته شده‌اند، جمعیت پژوهش و نه «جامعه آماری» را تشکیل دادند.



نمودار شماره ۲. توزیع فراوانی سطح تحصیلی شاعران منتخب بر حسب عدد مطلق



نمودار شماره ۳. توزیع فراوانی سطح تحصیلی شاعران بر حسب درصد

برای گردآوری اطلاعات نیز به روش زیر عمل شده است:
 یک. شناسایی شاعران معاصر قشقایی به روش گلوله برفی و گردآوری آثار مکتوب آنان و استفاده از نسخ خطی.
 دو. مصاحبه با شاعرانی که هنوز اثر خود را منتشر نکرده‌اند و ثبت و ضبط پاسخ آنان.
 پس از بررسی مورد به مورد ابیات و استخراج مفهوم اولیه مرتبط با محرومیت نسبی، دسته‌بندی اشعار و ابیات برحسب موضوعات و مفاهیم مشابه به روش تحلیل محتوا صورت گرفته و سپس کدگذاری شده است.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

در این بخش شماری از اشعار استخراجی، ابتدا ترجمه شده و ذیل هر بند شعر، توضیحات لازم درباره‌ی غرض شاعر در هر بیت یا قطعه ارائه شده است؛ به عبارت دیگر، اشعار شاعران منتخب، بر اساس چینش عبارات، استعاره‌ها و صنایع ادبی تجزیه و تحلیل شده تا از درون آن نگاه و برداشت شاعر و احساسی که نسبت به برخی محرومیت‌ها و تظلمات داشته است، استنباط شود. در مرحله‌ی بعد، واژگان، استعارات و کنایه‌هایی که هدف شاعر بوده، بر اساس مفاهیم مشترک دسته‌بندی شده است تا بتوان از همگونی آنان به تعدادی مقوله و قضایای مرتبط با موضوع دست یافت و نتیجه‌گیری کرد. در اینجا از بین آثار ۵۴ شاعر منتخب، فقط ترجمه، تفسیر و مفاهیم چند نمونه از اشعار که به صورت تصادفی انتخاب شده، ارائه می‌شود:

کد شعر منتخب (۱۰)

گوزل	رسمینگ	تاراج	اولدو	اویمان،	آغیر	ائلیم	اویمان
شئر	ایگیدلرینگ	آج	اولدو	اویمان،	سینمز	بتلیم	اویمان

(میرزایی، ۱۳۸۸، ص ۱۲)

ترجمه: ای مردم محروم ایل باشکوه من! بیدار شوید که رسم و آیینتان به تاراج رفت. ای ایل من! جوانان شیر صفت همه گرسنه مانده‌اند. بیدار شو ای کمر راست قامت و ناشکسته من، بیدار شو!

تفسیر: سراینده، ایل خود را خطاب قرار می‌دهد که شکوه و آن همه آیین‌ها، مرام‌ها، نمادهای فخر و مباهات تاریخی که داشتی، همه بر باد رفته و اینک به دلیل تفوق گروهی، بر کل سرنوشت مردم ایل، جوانان شیر صفات در کمال فقر و محرومیت به حیات خود ادامه می‌دهند. سپس کمر و ستون فقرات خود را که کنایه از مردان راست قامت ایل است، برای زدودن این تبعیض‌ها و محرومیت‌ها با زبان استعاره به قیام دعوت می‌کند.

کد شعر منتخب (۱۶)

بیری قارون کیمین ییغیدیر گنجی بیری گؤز آچیندان چکییدیر رنجی
بیری موftا آماز دور سپنجی بیری گنج اوستونده شهمار اولوبدور
(دانشور، ۱۳۷۱، ص ۲۲)

ترجمه و تفسیر: یکی چون قارون گنج بسیار اندوخته، اما دیگری از زمانی که دیده به جهان گشوده، جز رنج و مرارت چیزی ندیده است. یکی دور سپنج را به هیچی می‌انگارد و دیگری چون ازدها بر روی گنج خفته است. در این دو بیت، تضاد و شکاف طبقاتی در قالب کلمات گنج، قارون، سپنج و ... به خوبی مشهود است.

کد شعر منتخب (۱۷)

بیری حوری، بیری پری، ماه جبین بیری سلطان، قدر قدرت، کاخ‌نشین
بیرینده وار می و معشوق، انگبین بیزه سوغات رنج و محنت وارینگ دیر
(رجایی‌پناه، ۱۳۸۹، ص ۱۱۵)

ترجمه: خداوندا! هم حور و پری، هم ماه جبین آفریدی، هم سلطان قدر قدرت هم کاخ‌نشین آفریدی. یکی را می و معشوق و انگبین دادی، اما برای ما دستاوردی و هدیه‌ای جز رنج و محنت نصیب نکردی.

تفسیر: شاعر با به کارگیری واژه‌هایی متضاد در مقابل هم، غرض خویش را بیان می‌کند. برخورداری افرادی در مقام سلطان و قدر قدرت آزارش می‌دهد که از تخت و بارگاه و خوردنی‌های فراوان متنعم هستند و در مقابل، گروهی دیگر به نان شب محتاج‌اند.

کد شعر منتخب (۳۶)

چرخینگ ایشی هر کیمین نیش و نوش تکرار اندسم، حیران اولور عقل و هوش
کیمی گزر منیم کیمین خرقة‌پوش کیمی گئییب خز و سنجاب دولانور
(جعفری، ۱۳۹۶، ص ۹۲)

ترجمه: کار چرخ گردون همانا نیش و نوش است. اگر تکرار کنم، عقل و هوش از سر انسان خواهد پرید. یکی مانند من خرقه پوش است، و آن دیگری با پوشش و ردایی از خز و سنجاب خودنمایی و جلوه‌گری می‌کند.

کد شعر منتخب (۵۰)

بار الاها سچدیم داشی محکدن هر نه خیال ائددیم، چیخمه‌دیم شکدن
ازل گوندن بیلّم نه دن فلکدن خلقه شربت، منده سم یازیلیمیش؟!
(عطایی کشکولی، ۱۳۹۶، ص ۲۳۰)

ترجمه: خداوندا من که قادر به تمیز دادن سنگ عادی از سنگ محک بودم، هر چه اندیشیدم، از شک و تردید رها نشدم. از روز ازل نمی‌دانم چرا فلک برای برخی شربت و برای من حنظل و سم مقلّد کرده است؟!

کد شعر منتخب (۵۶)

عطایی دئر دوام بولماز ستمگر گندر ظالم تاپار شور و شر
غم یئمه گونگولوم، رحم ائدر داور عدل و دادا خئیر آلر آچیلار
(عطایی کشکولی، ۱۳۹۶، ص ۳۱)

ترجمه: شاعر بر این باور است که ستمگر عمر طولانی نخواهد داشت و شور و شر تمام خواهد شد. ای دل غمین مباش که رحم و کرامت داور شامل حال تو نیز خواهد شد و عدل و داد به وسیلهٔ دستان خیران برقرار خواهد شد.

کد شعر منتخب (۶۸)

نچین بیری بو دونیادا غم یوخی نچین بیری تار گنجه گر شم یوخی
بیری واردیر یئمگیندن کم یوخی نچین بیری چورگینگ آجی دیر؟
(استوار، ۱۳۹۷، مصاحبه)

ترجمه: چرا هیچ فرد بی‌غم در این دنیا وجود ندارد؟ چرا در شب تار، برخی افراد حتی شمعی برای روشنایی ندارند؟ یکی را می‌بینی که برای خوردن و آشامیدن چیزی کم ندارد، اما دیگری به نان شب محتاج است.

کد شعر منتخب (۷۳)

بو دونیادا یالان یامان چؤخ گؤردوم چوبانی آج، ارباب‌لاری تؤخ گوردوم
 بیری گؤردوم ووروب شالا قچیدیر بیر پارایی، دارما داغین یوخ گوردوم
 (علیپور، ۱۳۹۷: نسخه خطی)

ترجمه: در این جهان دروغ ریا و ستم فراوان دیدم. چوپانان را گرسنه و اربابان را بی‌نیاز و برخوردار از همه چیز مشاهده کردم. یکی را دیدم که به مراد خویش رسیده و آن دیگری دستش از آسمان و زمین بریده.

شاعر دو طیف غنی و ضعیف را با عنوان چوپان که نماد قشر ضعیف و ارباب که نماینده طبقه برخوردار جامعه است، در مقابل هم قرار داده و به مقایسه پرداخته است تا کمال محرومیت و شکاف و فاصله عمیق طبقاتی را نشان دهد.

کد شعر منتخب (۷۵)

بیری باشا قویار مرصع زر تاج بیری باشو قویار یثره گنجه آج
 بیری نادر اولور آلا ر هند دن باج یوخسولونگ گونوده شب تار اولار
 بیر سلطان اولوب آلاسو خراج بیری شام قوتونا قالدور محتاج
 (رحیمی، ۱۳۹۷، ص ۲۵۶)

ترجمه: یکی تاج زرین و مرصع بر سر می‌نهد و دیگری شب‌هنگام گرسنه سر بر بالش. یکی در هیبت نادر از هندوستان باج می‌ستاند، اما تنگدستان روزهایشان هم چون شب تار است. یکی سلطان می‌شود و به خراج و مال‌اندوزی دل‌خوش می‌دارد، لیکن، دیگری به نان و قوت شب محتاج است.

جدول شماره ۱. مفاهیم و مقوله‌های استنباطی متن ۲۶ بند از اشعار منتخب

کد	مفاهیم استنباطی	مقوله‌های استنباطی
۱۰	تاراج، شیرصفی، گرسنگی، بیداری، شکوهمندی، کمر خم نکردن در برابر ظالم	احساس اعمال ظلم و ستم و دعوت برای قیام و مبارزه برای احقاق حق
۱۱	کوه (نماد ایستادگی)، برف (نشانه مانع بودن)، راه ناهموار، بهار، رحم، گره افتادن در رشته زندگی	احساس فشارهای ناشی از نبود عدالت اجتماعی و چشم دوختن به امداد و نیروهای فراطبیعی
۱۳	هجرت، تهی شدن، استقرار، ماندگاری، بهره‌مندی، گرگ‌صفتی، چنگ‌اندازی، دل بستن به مادیات	احساس بی‌هویتی و بریدن از گروه، قوم و قبیله و در دل‌تنگی و محرومیت دست‌وپا زدن و از دست دادن همه هستی مادی در شرایط دشوار اجتماعی
۱۶	گنج قارون، زراندوزی، زودگذری زمان، رنج و مرارت، ارزان فروختن، کم‌توجهی به دورسپنج، شهمار به نشانه نگهبان زر و زور	اعتقاد به وجود ظلم و ستم در جامعه و عدم شایسته‌سالاری در به دست گرفتن زمام امور
۱۷	وجاهت، ماه جبینی، قدرت حکمرانی، کاخ‌نشینی، برخورداری از انواع خوردنی و آشامیدنی، وجود رنج و محنت	نارضایتی از شکاف طبقاتی موجود و اختلاف فاحش در بهره‌مندی از مواهب و رفاه عمومی
۲۳	حرف‌شنوی، سواره، پیاده، بی‌خبری	احساس تبعیض آشکار و خبر نداشتن طبقات متمکن و صاحب‌منصبان، از شرایط دشوار قشر ضعیف
۲۵	غم و ناراحتی، سازش، خوبی و نیکویی، بدی، ناپایداری، توسل به امام علی (ع)، باز شدن درهای بسته	احساس فشارهای ناشی از نبود عدالت اجتماعی و چشم دوختن به امداد و نیروهای فراطبیعی
۲۸	ظالم، پیام‌رسانی، صبح عمر، شام تار، پژمردگی، خندان ماندن، زمستان، نوروز	اعتقاد به تغییر یافتن شرایط ناعادلانه موجود که توسط ستمگران ایجاد شده و امید به بهبود اوضاع در آینده
۳۱	درد، کاستی و فزونی، دل‌پیشانی، نوازش، مجنون، مستی، عشق، لیلی‌صفتی، کوه، دیوانه	اعتقاد به وجود نابرابری در بین افراد جامعه و کل ساختار نظام اجتماعی، اقتصادی و یا سیاسی
۳۳	باغچه، گل‌های ناشکفته، خار، دارندگی و برازندگی یار، بی‌بهرگی و محرومیت، رزق کم‌ارزش	اعتقاد به وجود نابرابری در بین افراد جامعه و کل ساختار نظام اجتماعی، اقتصادی و یا سیاسی

کد	مفاهیم استنباطی	مقوله‌های استنباطی
۳۵	گذر زمان، خوب و نیکو، سختی‌ها، گره‌های کور، تلخی، شیرینی، تاریکی شب‌ها، روشنی روزها	اعتقاد به تغییر یافتن شرایط ناعادلانه موجود که توسط ستمگران ایجاد شده و امید به بهبود اوضاع در آینده
۳۶	گردش روزگار، نیش و نوش، عقل و هوش، تحیر، خرقه‌پوشی و درویشی، پوشش خز و سنجاب، خودنمایی	اعتقاد به وجود نابرابری در بین افراد جامعه و کل ساختار نظام اجتماعی، اقتصادی و یا سیاسی
۳۸	باروری و ثمردهی، دارا بودن، جاهت، دسترسی، تنگدستی	اعتقاد به ناپایداری بودن ظلم و از بین رفتن جلال و جبروت قدرتمندان و اشراف
۳۹	اعمال روزگار، انتقام گرفتن، خون خلق مکیدن، بی‌گناهی، غرق مکتب بودن، حرام‌خواری، بینوایی، آرامش، کاخ و آسایش، مسکن نامتعارف، قبرستان	اعتقاد به ناپایداری بودن ظلم و ستم و از بین رفتن شکوه، جلال و جبروت قدرتمندان و اشرافی‌گری در وقت مقرر و گشایش در امور
۴۵	بیهوده دل‌خوش بودن، بدی کردن، از دست دادن فرصت‌ها، قصد کردن، بچه شیر صید کردن، به دام صید افتادن مکرر صیادان، پایبند شدن	اعتقاد به ناپایداری بودن ظلم و ستم و از بین رفتن شکوه، جلال و جبروت قدرتمندان و اشرافی‌گری در وقت مقرر
۴۷	چرخش باد، کوه: نماد مقاومت، وقوع توفان، یاد گذشته، بدی، جور، تأثر، برف به‌عنوان محدودکننده حرکت، گریه، اثرگذاری بر دور گردون	احساس ناامیدی از شرایط حاکم بر جامعه و راه چاره نداشتن و تسلیم شدن در برابر شرایط موجود
۵۰	محک زدن، تفکر، عدم موفقیت، شک و تردید، ناآگاهی از اتفاقات آینده، شربت برای دیگران و سم برای خویش تصور کردن	اعتقاد به وجود نابرابری در بین افراد جامعه و کل ساختار نظام اجتماعی، اقتصادی و یا سیاسی
۵۲	مذمت وطن‌فروشی، تمجید وطن‌خواهی، ایثار با خون خود، اقتدار نادرشاهی داشتن، فتح و ظفر، تنبلی و بی‌عرضگی برخی افراد	باور داشتن به از بین رفتن جبروت و مال و مکتب قدرت‌طلبان و ستمگران که سبب ایجاد محرومیت برای دیگر طبقات شده‌اند
۵۶	ناپایداری، فانی بودن ستمگران، قرین بودن ظالمان با شور و شر، دلداری و امید دادن، اعتقاد به ترحم خداوندی، گشوده شدن درها، دستان خیر	اعتقاد به ناپایداری بودن ظلم و ستم و از بین رفتن شکوه، جلال و جبروت قدرتمندان و اشرافی‌گری در وقت مقرر و گشایش در امور

کد	مفاهیم استنباطی	مقوله‌های استنباطی
۶۲	ناپایداری شرایط جهان، تنگی و سختی، دلداری دادن، شوم بودن برخی پدیده‌ها، از بین رفتن غم و جایگزین شدن شادی	اعتقاد به ناپایدار بودن شرایط نامساعد موجود و امید به تحول در آینده و نوید دادن به کسانی که در برابر ناملایمات تاب ایستادن ندارند
۶۴	کوه: نماد استقامت، سرسبزی دامن کوه، شادی چوپان، شادی و شیون، وجود رقیب، بساط شادی	اعتقاد به وجود نابرابری در بین افراد جامعه و کل ساختار نظام اجتماعی، اقتصادی و یا سیاسی
۶۷	اثر مثبت باران (کنایه از وفور نعمت)، برف نماد بازدارندگی و محدودیت، نوای بلبل و حسرت دیدار گل، شمشیر زدن، گذران عمر، ستیز با پلیدی	گله‌مندی از شرایط موجود و اظهار تأسف از عدم تحقق آرمان‌های انسانی
۶۸	عدم دسترسی همگانی به مواهب، وجود غم، شب تار، روشنی شمع، مقایسه گرسنگان با کسانی که شکم سیر دارند	نارضایتی از شکاف طبقاتی موجود و اختلاف فاحش در بهره‌مندی از مواهب و رفاه عمومی
۷۰	احساس بی‌هویتی، چشمه تشنه، برکه خشک، حسرت‌مند نور آفتاب، همسان تصور کردن تمام فصول و ماه و سال، نداشتن ستاره بخت	نارضایتی از شکاف طبقاتی موجود و اختلاف فاحش در بهره‌مندی از مواهب و رفاه عمومی
۷۳	دروغ، زشتی، فراوانی، گرسنگی قشر ضعیف، سیری اربابان، به شال زدن (بار خود را بستن)، فرار از عدالت، نبود انسجام بین فقرا برای دادخواهی	نارضایتی از شکاف طبقاتی موجود و اختلاف فاحش در بهره‌مندی از مواهب و رفاه عمومی
۷۵	تاج بر سر نهادن، روز و شب، گرسنگی، فتوحات نادری، باج‌گیری، تهیدستی، قدرت پادشاهی، خراج ستاندن، محتاج قوت شب بودن، تاراج بردن اموال ضعفا، سزای اعمال، تنگی عرصه	اعتقاد به ناپایدار بودن ظلم و ستم و از بین رفتن شکوه، جلال و جبروت قدرتمندان و اشرافی‌گری در وقت مقرر و گشایش در امور

جدول شماره ۲. نوزده کلمه پر کاربرد و مفسر محرومیت نسبی، در اشعار شاعران معاصر قشقای

ردیف	کلمه	معادل فارسی	فراوانی	درصد
۱	یوخ	نبود	۱۹	۷/۱۴
۲	یول	گشایش	۱۶	۶/۰
۳	ائل	ایل	۱۲	۴/۵
۴	قالماگ	ماندن	۱۱	۴/۱
۵	گول	گل	۱۰	۳/۷
۶	آج	گرسنه	۹	۳/۳
۷	یوخسول	فقیر، ندار	۹	۳/۳
۸	خون/قان	خون	۸	۳
۹	روزگار	روزگار	۸	۳
۱۰	دوران	دوران	۸	۳
۱۱	دونیا	دنیا	۸	۳
۱۲	باز/بهار	بهار	۸	۳
۱۳	داغ	کوه	۷	۲/۶
۱۴	وارلی	متمکن	۷	۲/۶
۱۵	غم	غم	۷	۲/۶
۱۶	سلطان	سلطان	۶	۲/۲۵
۱۷	قار	برف	۶	۲/۲۵
۱۸	آچیلماگ	گره گشایی	۶	۲/۲۵
۱۹	ظالم	ظالم	۶	۲/۲۵

جمع‌بندی

هرچند بررسی کامل و همه‌جانبه آثار شعرای معاصر قشقای در رابطه با احساس محرومیت میسر نبود، اما از تحلیل محتوای عبارات، تشبیهات و استعاره‌های گاه آمیخته به طنز و سایر صناعات ادبی شاعران منتخب، می‌توان در یک دسته‌بندی کلی چنین استنباط کرد که موارد مهم و کلیدی زیر، در اغلب اشعار آنان به صورت صریح یا ضمنی آمده است:

یک. اذعان به وجود شکاف عمیق طبقاتی؛

دو. نقش قدرت و ثروت در ایجاد شکاف و فاصله طبقاتی؛

سه. وجود فقر یا احساس فقر در مقایسه با طبقات یا گروه‌هایی از مردم که به‌عنوان قشر برخوردار شهرت یافته‌اند؛

چهار. احساس بیزاری از افراد و صاحب‌منصبانی که همواره گروهی از مردم را به روش‌های مختلف به بیگاری و استثمار می‌گیرند؛

پنج. احساس نبود مساوات، عدالت، برابری و انصاف به‌دلیل حاکمیت طبقات خود برگزیده و خودمحور؛

شش. انتظار به گشایش امور به دست فرد یا افرادی که خواهند آمد و ستمگران را سرجایشان خواهند نشانند که متعاقب آن شادمانی و سرور و عدالت شامل محرومان خواهد شد؛

هفت. اعتقاد به ناپایداری تاج‌وتخت و بارگاه و اندوخته‌های نامشروع؛

هشت. اعتقاد به مقدرات و تسلیم شدن در برابر برخی رویدادها که آن را می‌توان طبیعی و محتوم تلقی کرد و نباید در برابر چنین سرنوشت‌ها مقاومت نشان داد.

از دسته‌بندی مفاهیم استنباطی، جدول زیر به دست آمد که حاکی از نوع نگرش شاعران به مقوله محرومیت نسبی است:

جدول شماره ۳. دسته‌بندی مقوله‌های استنباطی بر حسب فراوانی و درصد

ردیف	مقوله‌های دسته‌بندی شده با مضمون مشترک	فراوانی	درصد
۱	اعتقاد به وجود نابرابری در بین افراد جامعه و کل ساختار نظام و بی‌توجهی طبقات متمکن و برخوردار و صاحب‌منصبان، به شرایط دشوار قشر ضعیف	۱۴	۱۰/۳۹
۲	اعتقاد به ناپایداری بودن ظلم و ستم و از بین رفتن شکوه و جلال و جبروت قدرتمندان و اشرافی‌گری در وقت مقرر و بهبود اوضاع در آینده	۱۰	۶/۶۸
۳	احساس فشارهای ناشی از نبود عدالت اجتماعی و یأس و ناامیدی و چشم دوختن به امداد کائنات و نیروهای فراطبیعی یا برتر	۷	۴/۶۹
۴	نارضایتی از شکاف طبقاتی موجود و اختلاف فاحش در بهره‌مندی از رفاه عمومی	۷	۴/۶۹
۵	احساس یأس و ناامیدی از شرایط حاکم بر جامعه و تسلیم شدن در برابر شرایط موجود	۷	۴/۶۹
۶	اعتقاد به وجود ظلم و ستم در جامعه و عدم شایسته‌سالاری در به دست گرفتن زمام امور و نبود مساوات	۶	۴/۰۲
۷	اعتقاد به ناپایداری بودن وضعیت و شرایط نامساعد موجود و امید به تحول و دگرگونی در آینده و نوید دادن به کسانی که در برابر ناملازمات یارای ایستادن ندارند	۵	۳/۳۵
۸	گله‌مندی از زحمات بیهوده و بدون نتیجه و در قبال آن، شاهد بهره‌مندی و برخورداری طبقه اشراف از مواهب و امکانات مختلف	۴	۲/۶۹
۹	احساس بی‌هویتی و بریدن از گروه، قوم و قبیله و در دل‌تنگی و محرومیت دست‌وپا زدن و از دست دادن همه هستی مادی خویش در شرایط دشوار اجتماعی	۲	۱/۳۴
۱۰	احساس اعمال ظلم و ستم و دعوت برای قیام و مبارزه برای احقاق حق	۱	/۶۷
۱۱	از دست رفتن فرصت‌ها و توانایی‌ها و عدم شرایط بهره‌مندی، به دلیل نابرابری‌ها	۱	/۶۷
۱۲	آرزوی برآورده شدن کاستی‌ها و کمبودهایی که بر اثر محرومیت‌های اجتماعی ایجاد شده	۱	/۶۷
۱۳	باورمندی به وجود محرومیت و اثر امداد الهی در بهبود شرایط	۱	/۶۷
۱۴	تقدیرگرایی و اعتقاد به مشیت و اینکه معضلات اجتماعی و رنج‌ها و مرارت‌های فردی و گروهی از ازل بوده است و باید به آن تن در داد	۱	/۶۷
جمع		۶۷	۱۰۰

با عنایت به نتایج این جدول، مشخص می‌شود که سه مقوله زیر که بیانگر وجود محرومیت نسبی در جامعه قشقایی است، به ترتیب بیشترین درصد را در بین دیدگاه شاعران معاصر قشقایی به خود اختصاص داده است:

یک. اعتقاد به وجود نابرابری در بین افراد جامعه و کل ساختار نظام و بی‌توجهی طبقات متمکن و صاحب‌منصبان، به شرایط دشوار قشر ضعیف با ۱۰/۳۹ درصد؛
 دو. اعتقاد به ناپایدار بودن ظلم و ستم و از بین رفتن شکوه، جلال و جبروت قدرتمندان و اشرافی‌گری در وقت مقرر و بهبود اوضاع در آینده با ۶/۶۸ درصد؛
 سه. احساس فشارهای ناشی از نبود عدالت اجتماعی و ناامیدی و چشم دوختن به امداد کائنات و نیروهای فراطبیعی یا برتر با ۴/۶۹ درصد؛
 یازده گزاره دیگر که در جدول پیشین دیده می‌شود، هر یک به نوعی بیانگر زبان حال شاعران در رویارویی و برداشت با موضوع محرومیت نسبی است.

بدیهی است اشعار منتخب که از بین صدها بیت انتخاب شده است، تنها نشان‌دهنده محرومیت مادی نیست بلکه با توجه به شرایط زمانی و قیوداتی که وجود داشته، احساس محرومیت را در ابعاد مختلف مادی، معنوی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و روابط متقابل و بهره‌مندی از تسهیلات و حقوق فردی نشان داده است. شاعران نیز، این احساس عمیق را با کلمات موزون و گیرا در اختیار نسل زمان خویش قرار داده‌اند.

در جمع‌بندی نهایی مضامین و سروده‌های شاعران مورد اشاره و ارتباط این مفاهیم با مقوله محرومیت نسبی، ثابت شد که «۴۴» در صد شاعران معاصر قشقایی، به سبب برخورداری از روح حساس، طبع لطیف و درک عمیق از مسائل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، محرومیت نسبی را درک کرده و آن را در قالب عبارات ادبی و اثرگذار به مخاطبان خود بازتاب داده‌اند.

خلاصه نتایج و پیشنهادها برای کاهش سطح محرومیت در اقوام ایرانی

با اعتقاد و تأکید به این حقیقت که دامنه محرومیت در اقوام ایرانی چنان گسترده است که با نسخه‌ای کوتاه و واحد نمی‌توان این معضل ریشه‌ای را از میان برداشت؛ اما بر مبنای

مطالعات و یافته‌های مشابه و آنچه که از این نوشتار به دست آمده، در جهت کاهش سطح محرومیت اقوام، موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

یک. اجتناب از توجیحات غیرعلمی و انتساب بروز محرومیت به مشیت الهی و شانس و چشم دوختن به امداد غیبی که سبب می‌شود مردم عادی از احقاق حقوق حقه خود عدول کنند؛

دو. تلاش برای زدودن یأس از طبقات محروم و تقویت اعتماد به نفس آنان و روحیه مطالبه‌گری توسط نخبگان اقوام؛

سه. تلاش برای حاکمیت قانون و رعایت حقوق شهروندی در چارچوب ساختار نظام؛

چهار. تلاش برای برقراری مساوات و کاهش فاصله‌ها از طریق مجاری قانونی، مانند اصول ۱۵، ۱۹، ۳۰، ۳۱ و ۴۳ قانون اساسی که در آنها به حقوق مادی و معنوی آحاد مردم تأکید شده است.

یادداشت‌ها

۱. شاعر، نمایشنامه‌نویس و بازیگر رادیکال و معترض انگلیسی که در تیرماه ۱۳۹۶ و در سن ۷۵ سالگی در آکسفورد درگذشت.
۲. رئیس جمهور وقت آمریکا.
۳. وزیر امور خارجه سابق و کنونی انگلیس.
4. <http://ayat.ir/HIIOM>
۵. به قول استاد زهتابی، این قوم با استناد به سنگ نوشته‌های کوه‌های آلتای دارای ۴۵۰۰ سال پیشینه تاریخی است (زهتابی، ۱۳۷۶ برگرفته از فیلم سخنرانی در نخستین همایش اقوام ایرانی، تهران: فرهنگسرای بهمن).
6. Lois Beck
7. The Qashqa'i of Iran: 1986
8. Bertold spuler
9. Faruq Sumer
10. Claude Cahen

11. Henry Tajfel

12. Relative Deprivation Spacification, Development, Integration

۱۳. عبارت هومو هومینی لویوس (Homo homini lupus) در لاتین به معنای «انسان گرگ انسان است»، جمله‌ای است که در نمایش‌نامه آسیناریا نوشته پلوتوس، نمایش‌نامه‌نویس و نویسنده روم باستان آمده و توماس هابز از آن استفاده کرده است.

۱۴. بن: درخت گرمسیری پسته وحشی / شهر، شب‌دیز، نسمن، بادپیما، ترلان، هلیوان، وزنان، خرسان و ... همه از اسب‌های نژاده و اصیل کلاتران و بزرگان قشقایی بود که از جنگ جهانی دوم به بعد، به تدریج روبه‌افول نهاد. این اسب‌ها بسیار تیزپا، خوش‌رکاب و زیبا و مشهور بودند که امروز، شاعر از زبان اهل فن و مردم، حسرت نداشتن آن را در قالب شعر آورده است تا نوعی محرومیت را تداعی کند.

15. Mayring, P.

کتابنامه

- استوار، خداداد (۱۳۹۶). گفتگوی تلفنی، شهرضا: استخراج از نسخه در شرف چاپ.
- اسکارپیت، روبر (۱۳۹۰). *جامعه‌شناسی ادبیات*، ترجمه مرتضی کتبی، چاپ نهم، تهران: انتشارات سمت.
- اشپولر، برتولد و دیگران (۱۳۹۲). *تاریخ ترکان در ایران*، چاپ دوم، ترجمه یعقوب آژند، تهران: انتشارات مولی.
- اشرفی، مرتضی (۱۳۹۶). *توقعات فزاینده، محرومیت نسبی و محرومیت مطلق*، ترجمه دیویس، قم: پژوهشکده باقرالعلوم (info@pajoohe.ir).
- ایمان، محمدتقی و نوشادی، محمودرضا (۱۳۹۰)، «تحلیل محتوی کیفی»، *فصلنامه پژوهش*، سال سوم، شماره دوم، پاییز وزمستان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- امام‌جمعه‌زاده، سید جواد و ابراهیمی، علی (۱۳۹۵). «تحلیل جامعه‌شناسانه وقوع انقلاب اسلامی، با تأکید بر نظریه محرومیت نسبی تد رابرت گر»، *دوفصلنامه علمی- پژوهشی دانش سیاسی*، شماره اول، بهار و تابستان.
- ایمانی، کورش (۱۳۷۷). *بلندای عشق*، چاپ نخست، تهران: انتشارات مؤسسه ندای حق.
- بهار، محمدتقی (۱۳۶۸). برگرفته از پایگاه آیات (http://ayat.ir/HIOM)، تاریخ مراجعه به پایگاه مرداد ۱۳۹۷.

جعفری، ابوالفضل (۱۳۹۶). *دیوان کامل میرزا مآذون قشقایی*، چاپ نخست، شیراز: انتشارات قشقایی.
جعفری، ابوالفضل و علیرضا خادم‌الفقرا (۱۳۹۵). *نقد و تحلیل شعر مآذون قشقایی*، چاپ نخست، شیراز: انتشارات قشقایی.

دانشور، نوذر (۱۳۷۱). *نغمه‌های ایل قشقایی*، چاپ نخست، شیراز: انتشارات نوید.
ربانی، علی؛ ربانی، رسول و حسنی، محمدرضا (۱۳۹۰). «رابطه احساس محرومیت نسبی با گرایش به هویت ملی»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و دوم، شماره دوم، تابستان، شماره پیاپی ۴۲.

رجایی پناه، محسن (۱۳۸۹). *یاغار بولوت*، چاپ نخست، شیراز: انتشارات قشقایی.
رحیمی، محمد (کوثر) (۱۳۹۷). *معرفت دنگیزی*، چاپ نخست، شیراز: انتشارات تخت جمشید.
سارتر، ژان پل (۱۳۹۶). *ادبیات چیست؟*، چاپ نهم، مترجمان ابوالحسن نجفی و مصطفی رحیمی، تهران: انتشارات نیلوفر.

سخاوتی فر، نورمحمد (۱۳۸۰). «بررسی رابطه بین هویت ملی و هویت قومی ترکمن‌ها در استان گلستان»، پایان‌نامه ارشد، دانشگاه مازندران.

شرابی، علی (۱۳۸۵). *دیوان پروین اعتصامی*، چاپ چهارم، تهران: انتشارات نهال نویدان.
طیبی، جمال‌الدین؛ ملکی، محمدرضا و دلگشایی، بهرام (۱۳۹۱). *تدوین پایان‌نامه، رساله، طرح پژوهشی و مقاله علمی*، چاپ سوم، تهران: انتشارات فردوس.

ظهیرالدوله، علی خان (۱۳۶۷). برگرفته از پایگاه آیات (<http://ayat.ir/HIOM>) تاریخ مراجعه به پایگاه: مرداد ۱۳۹۷.

عطایی کشکولی، عزیزالله (۱۳۹۶). *عطایی دیوانی*، چاپ نخست، به کوشش شارخ عطایی، با مقدمه و مقابله محسن رجایی پناه، شیراز: انتشارات قشقایی.

علیپور، احمد (۱۳۹۷). برداشت حضوری از روی نسخه خطی شاعر، شهر صدرای شیراز.
علی‌نژاد، فضل‌الله (۱۳۹۰). *سیر حکمت و عرفان در ادبیات و آداب و رسوم ایل قشقایی*، چاپ اول، قم: انتشارات خرم.

فتاحی، سیدمهدی (۱۳۸۷). «گفتمان قدرت در اندیشه میشل فوکو»، برگرفته از دانشنامه آزاد.
قاسمی، محمدعلی (۱۳۸۶). «تد رابرت گر و روش نوین مطالعه جنبش‌های قومی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال دهم، شماره سوم، شماره مسلسل ۸.

گر، تدرابرت (۱۳۸۸). *چرا انسان‌ها شورش می‌کنند*، مترجم علی مرشدی‌زاد، چاپ سوم، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

مردانی، اسدالله (۱۳۸۶). *فرهنگ لغات و اصطلاحات ترکی قشقایی (قاشقایی سؤزلوگو)*، چاپ نخست، قم: انتشارات انصاری.

میرزایی، اسدالله (۱۳۸۸). *اوزاق یول*، چاپ اول، شیراز: انتشارات قشقایی.

نادری دره‌شوری، محمد (۱۳۷۹). *سیری در بوستان قشقایی (۱)*، چاپ اول، شیراز: انتشارات راهگشا.

Beck, Lois (1986). "The Qashqa'I of Iran", 9780300032123, Amazon.com:

Books, [https://www.amazon.com/QashqaI-Iran-Lois-](https://www.amazon.com/QashqaI-Iran-Lois-Beck/dp/0300032129)

Beck/dp/0300032129

Heather J. Smith & other (2002). *Relative Deprivation Spacification*,

Devopment, Press Cambridge University,

Heather J. Smith & other (2004). *An Introduction to Content Analysis*,

<http://writing.colostate.edu/references/research/content/pop2a.cfm>

Mayring, P., (2000). "Qualitative content analysis. Forum", *Qualitative Social Research*, 1 (2). Retrieved March 10, 2005, from <http://www.qualitative-research.net/fqs-texte/2-00/02-00-mayring-e.htm>.